



۲۰۱۶/۰۹/۱۷



ولی احمد نوری

جمهوریت، شاهی

یا حاکمیت های ایدئولوژیک و مذهبی؟

تبصره ای بر نوشته محترم نعیم بارز، زیر عنوان «جمهوریت، شاهی یا حاکمیت های ایدئولوژیک و مذهبی»؟

باید اعتراف نمود که بحث تحلیلی روی سیستم های سیاسی و دینی - مذهبی یاد شده که تمام ادوار تاریخ تمدن بشر را تا امروز در بر گرفته و مقایسه آن با دیموکراسی مدرن و روش های انسانی در حد بسیار مختصر و شفاف بیان گردیده و برای همه قابل درک می باشد. البته کاریست ارزشمند و جای ستایش دارد، بخصوص آنچه در ارتباط به حاکمیت های پادشاهی مطرح گردیده کاملاً با مواضع سایت «آریانا افغانستان آنلاین» هماهنگی و مطابقت داشته است.



نوشته مذکور در واقعیت امر جواب دندان شکن به کسانی می تواند باشد که سایت (آریانا افغانستان آنلاین) و گردانندگان محترم آن را به نام سلطنت طلبان و این و آن تبلیغ می کنند.

اگر مسئولین سایت (آریانا افغانستان آنلاین) و نویسندگان محترم از دوران حاکمیت اعلیحضرت محمد ظاهر شاه و مقایسه آن به دوره های بعد از آن با ارائه دلایل عینی و منطقی سخن گفته اند به این معنی نبوده که سایت مذکور و نویسندگان محترم در این عصری که نظام های دیموکراتیک توأم با رعایت نسبی حقوق بشر مؤثریت خود را نسبت به هر سیستم فکری، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دیگری به ثبوت رسانده، پیرو نظام سلطنت و احیای سلطنت در افغانستان بوده باشند.

احساس اظهار احترام نسبت به اعلیحضرت محمد ظاهر شاه، پادشاه سابق افغانستان و دوران حاکمیت چهل ساله ایشان جا داشته و جا دارد، زیرا کشور ما در حد توانمندی های اقتصادی به صورت تدریجی در صلح و صفا به پیش می رفت و افغانستان در میان دول جهان خصوصاً کشور های همسایه به حیث جزیره ثبات قرار داشت. و از جانبی هم ملت افغان در کمال آزادی و استقلال، با سر بلند و با افتخار زندگی می کرد و به این لحاظ جا دارد که از گذشته های خوب به خوبی یاد شود.

توجه شما عزیزان را به شعر ملکوتی حضرت شمس الدین محمد "حافظ" ملقب به "خواجه حافظ شیراز" جلب میکنم:

بوی خوش تو هر که زیاد صبا شنید
ای شاه حسن چشم به حال گدا فکن
یا رب کجاست محرم رازی که یک زمان
اینش سزا نبود دل حق گزار من
محروم اگر شدم ز سرکوی او چه شد
ما باده زیر خرقه نه امروز میخوریم
پند حکیم محض صواب است و عین خیر

از یار آشنا سخن آشنا شنید
کاین گوش بس حکایت شاه و گدا شنید
دل شرح آن دهد که چه گفت و چها شنید
کز غمگسار خود سخن ناسزا شنید
از گلشن زمانه که بوی وفا شنید
صد بار پیر میکند این ماجرا شنید
فرخنده آن کسیکه به سمع رضا شنید

حافظ وظیفه تو دعا گفتن است و بس

در بند آن مباش که نشنید یا شنید

